

## نقد کتاب

### آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران

سمیرا عرب\*

سید عبدالمجید شریف‌زاده\*\*

#### چکیده

سخن گفتن و تحلیل نظری صنایع دستی در عین سهل بودن دشوار است؛ صنایع دستی امری آشنا و ملموس در زندگی روزمره که بدون نیاز به شناساندن و تلاش برای فهمشان، هرگونه توضیحی در آن بدیهی به نظر می‌رسد. کتاب "آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران" در سال ۱۳۹۵ توسط فریبا مصطفوی در انتشارات مهر نوروز گردآوری شده است. اگرچه کتاب مذکور به طور کلی مجموعه‌ای از تصاویر ارزشمند با کیفیت مطلوب برای معرفی برخی کارگاه‌های صنایع دستی بوده، اما همانند هر اثر علمی کاستی‌های شکلی و محتوایی دارد که در این جستار سعی شده به نقد انتقادی آن پرداخته شود. این پژوهش با تکیه بر روش کتابخانه‌ای برخی گزاره‌های غیر علمی آن که سبب گمراه شدن خواننده (هنرمندان) بوده و از پژوهشی به پژوهش دیگر منتقل می‌شود را تبیین نموده است. در همین راستا کاستی‌ها اشاره و نظرات انتقادی ذیل هر یک از مباحث بیان خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** صنایع دستی، کارگاه صنایع دستی، مصنوعات هنری؛ نقد.

\* کارشناس پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)، Samira-arab@yahoo.com

\*\* عضو هیأت علمی (استادیار) پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، رییس گروه هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، s-a-majidsharifzade@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

## ۱. مقدمه

صنایع دستی تاکنون از جنبه‌های تئوری و عملی بسیار مورد توجه بوده و با موضوعات متعددی منتشر شده است. پرداختن به موضوع بدیهی صنایع دستی که عجین با زندگی روزمره انسان بوده در عین سادگی دشوار است. تحلیل و تفسیر این صنایع دشوار و ممتنع به دلیل کاستی‌هایی در دانش نظری آن، همواره از نقاط ضعف بوده که بسیار نادیده گرفته شده است.

کتاب "آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران" کتابی است توصیفی که نویسنده آن سعی و اهتمام بر معرفی برخی رشته‌های صنایع دستی داشته است. این کتاب در ۵ بخش تنظیم شده که برای ارائه مطالب از یک دسته‌بندی مشخص استفاده نشده است. همچنین نویسنده چندان توجهی به طبقه‌بندی صنایع دستی براساس آخرین تغییرات آن نداشته و در این بحث، اطلاعات کتاب حاضر قابل استناد نیست. طبقه‌بندی صنایع دستی از موارد پراهمیت در پرداختن به صنایع دستی است که اشاره به انواع آن دارد.

منابع متعددی که در زمینه صنایع دستی چاپ و منتشر شده شامل صنایع دستی ایران (بهنام ۱۳۴۱)، مروری بر صنایع دستی ایران (حسن بیگی ۱۳۶۵)، سیری در صنایع دستی ایران (گلوک ۱۳۵۵) و همچنین پایان‌نامه‌ها، مقالات، گزارش و طرح‌های پژوهشی است. به طور کلی اطلاعات صنایع دستی مبنی بر تئوری و عملی است که در اکثر منابع مباحث تئوری کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. ضرورت شناخت ابعاد نظری صنایع دستی علاوه بر شناخت عمیق آن می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزی و احیای بسیاری از صنایعی شوند که در حال فراموشی هستند یا فراموش شده‌اند. در این راستا برای تبیین مباحث تئوری صنایع دستی به نقد انتقادی با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته شده است. علاوه بر نقد شکلی، نقد محتوایی با هدف برطرف نمودن کاستی‌ها انجام گرفته و نظرات انتقادی ذیل هر یک از مباحث بیان شده است.

## ۲. معرفی کلی اثر

کتاب "آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران" در ۱۴۰ صفحه در قطع وزیری، به قلم فریبا مصطفوی گردآوری شده است. همان‌طور که روی جلد این کتاب ذکر شده، برای استفاده در فضاهای آموزشی به نگارش در آمده است. این کتاب در انتشارات مهر نوروز با

۲۳۰۰۰ جلد به چاپ رسیده است. جلد نرم روی کاغذ معمولی و طراح آن هومن نادری است. روی جلد ظروف سفالی با نقوش حیوانی و طرح پشت جلد ۹ تصویر از انواع مختلف صنایع دستی ایران است؛ طرح جلد این کتاب چندان زیبا و گیرا نیست. برای طراحی جلد کتاب‌های هنری با موضوع صنایع دستی بهتر است از آرایه‌ها و طرح‌های گرافیکی، هنری و زیبایی‌شناسی مرتبط با موضوع استفاده شود.

باید تأکید کرد که جلد کتاب مانند نمای بیرونی یک ساختمان است و نخستین برخورد خواننده با کتاب دیدن جلد آن است. خوش طرح و خوش‌رنگ بودن جلد کتاب‌ها همراه با سادگی زمینه‌ساز همسویی عاطفی دانشجویان با کتاب و محتوای آن خواهد بود (رضی، ۱۳۸۸).

این کتاب دارای ۱۴۳ عدد تصویر رنگی، ۲۰ عدد جدول و ۱ عدد ضمیمه است. پیشگفتار ۱، فهرست مطالب، پیشگفتار ۲ از مباحث آغازین کتاب هستند. در بخش اول کتاب به تعریف و طبقه‌بندی صنایع دستی پرداخته شده است. بخش دوم شامل معرفی کارگاه‌های صنایع دستی است؛ بخش سوم جدولی ارائه شده که در آن گروه‌های ۱۸ گانه صنایع دستی<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفته است. بخش چهارم شامل جغرافیای صنایع دستی بوده که براساس اطلاعات مربوط به چهارمین نمایشگاه بزرگ سراسری صنایع دستی کشور در سال ۱۳۷۹ توسط ابوالفضل دانایی تدوین شده ارائه شده است. در این جا به ۳۰ نوع از انواع صنایع دستی در جغرافیای استان‌های کشور اشاره شده است. بخش پنجم شامل ضمیمه‌ی کتاب است که به ۲۹ کارگاه فنی-هنری در شهر تهران با ذکر آدرس و نوع کارگاه اشاره شده است. رفرنس مطالب این بحث مربوط به سال ۱۳۶۹ است که توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شده است. آخرین بخش از کتاب نیز فهرست منابع است؛ کتاب پیوست و پی‌نوشت ندارد. در این کتاب فهرست مطالب اصلی به این صورت شکل گرفته است: پیشگفتار، صنایع دستی ایران، کارگاه‌های صنایع دستی ایران، لیست مصوب رشته‌های صنایع دستی ایران، جغرافیای صنایع دستی ایران، ضمیمه انواع کارگاه‌ها و فهرست منابع.

### ۳. نقد شکلی اثر

#### ۱.۳ ضعف در شرح و ارائه تصاویر و جداول

در این کتاب ۴۱ عدد تصویر رنگی مربوط به بحث طبقه‌بندی صنایع دستی ایران، ۱۰۲ عدد تصویر مربوط به بحث کارگاه‌های صنایع دستی ایران آورده شده است. در پیشگفتار ۲ اشاره شده که تعداد تصاویر در بحث طبقه‌بندی صنایع دستی ۴۳ عدد است و به جداول نیز اشاره نشده است. از نکات پراهمیت در کتاب‌هایی که با موضوع صنایع دستی منتشر می‌شوند، استفاده از تصاویر مناسب برای تفهیم بهتر مطالب است. کیفیت تصاویر رنگی کتاب بر جلوه‌ی تصویری آن افزوده است. همان‌طور که ارائه تصاویر با کیفیت در جذب خواننده تأثیرگذار است، همگامی تصاویر با متن می‌تواند در نمای کلی کتاب جلوگیری از سرگردانی مخاطب و مؤثر در تفهیم بهتر متن است. صفحه‌آرایی از دیگر موارد پراهمیت در جذب مخاطب است که بهتر بود در این کتاب بیشتر به آن توجه می‌شد. کتاب حاضر اگر چه ضعف‌های ویراستاری و کاستی‌های محتوایی در متن دارد ولی با ارائه تصاویری که از کیفیت خوبی برخوردارند، می‌تواند یکی از کتاب‌های مورد استفاده دانشجویان و نویسندگانی باشد که امکان مراجعه و تصویربرداری از کارگاه‌های هنری را ندارند.

برای زیرنویس تصاویر از یک الگوی منظم و یکپارچه استفاده نشده و اطلاعات کافی و صحیح که بیانگر تصویر باشد در اختیار خواننده قرار نگرفته است. همچنین از یک تصویر در موارد متعدد با زیرنویس‌های گوناگون استفاده شده است. به طور کلی از چهار گونه رفرنس‌دهی برای تصاویر<sup>۱</sup> استفاده شده است؛ ۱- استفاده از واژه منبع در زیرنویس تصاویر (ذکر نام کتاب و در مواردی نام نویسنده و گاهی سال انتشار کتاب) مانند تصاویر ۲۹، ۳۰ و ۳۱ در صفحات ۷۸ و ۷۹، ۲- استفاده از واژه مرجع (ذکر نام میراث فرهنگی و سال) مانند تصاویر ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ در صفحات ۸۰ و ۸۱ و ۳- تصاویری که هیچ منبع یا مرجعی در زیرنویس آن‌ها ذکر نشده است مانند تصاویر ۱۴ و ۱۵ در صفحات ۳۴ و ۳۵ و ۴- تصاویری که زیرنویس ندارند (مانند تصاویر ۸۱ تا ۸۶ در صفحات ۱۰۳ و ۱۰۴-تصاویر ۸۹ و ۹۰ در صفحه ۱۰۶).

در زیرنویس تصویر ۱۳ در صفحه ۳۴ کتاب شماره تصویر به اشتباه عدد ۳ به جای عدد ۱۳ نوشته شده است. این تصویر مربوط به دندان‌نیست و زیرنویس آن نیز به اشتباه ذکر شده است. تصاویر ۳۷ و ۳۹ در مبحث صنایع دستی ایران موجود نیست؛ به این صورت که پس از تصویر ۳۶، تصویر ۳۸ و پس از آن نیز ۴۰ آورده شده است. زیرنویس تصویر ۱۵

در صفحه ۷۱ کتاب، فردی در حال بافت پارچه دارایی است در حالی که عنوان آن "دار دندان بافی رو لحافی" ذکر شده است. لازم به ذکر است از همین تصویر نیز در صفحه ۳۴ تصویر ۱۴ با عنوان "کاربرد کلاف‌های ایکات در بافت رولحافی در یک کارگاه یزدی" استفاده شده است.

در توضیحات مربوط به خاتم<sup>۳</sup> چندین تصویر در صفحات ۸۴ تا ۹۴ آمده که زیرنویس آن‌ها نیز به اشتباه ارائه شده است. تصویر ۴۱ در صفحه ۸۴ کتاب مربوط به صفحه میز است که در زیرنویس آن عنوان "کارگاه خاتم‌کاری" ذکر شده است. در حالی که همین تصویر در صفحه ۵۰ با عنوان "میز خاتم" آورده شده است. تصویر ۴۲ در صفحه ۸۴ بخشی از یک تابلوی آموزشی آموزش هنر خاتم‌کاری است که در زیرنویس آن "میز و ابزار خاتم-کاری" به اشتباه ذکر شده است. در این تصویر گل خاتم، چوب، آلیاژ، استخوان شتر و ... مشاهده می‌شود. تصویر ۵۶ در صفحه ۹۱ دستگاه برش چوب مربوط به خاتم‌کاری (مشاهده می‌شود در حالی که در زیر نویس تصویر اشاره به "یکی دیگر از وسایل پرداخت خاتم" شده است. در کنار برخی تصاویر نوشته‌هایی با قلم ریزتر نسبت به سایر متن کتاب مشاهده می‌شود که مربوط به منبعی که تصویر از آن گرفته شده، می‌باشد؛ همچنین نویسنده علاوه بر نوشته‌های کنار تصویر که در مواردی نیز ناخوانا هست، زیرنویسی برای توضیح آن‌ها آورده است؛ تصویر ۲۸ در صفحه ۴۸، تصویر ۳۰ در صفحه ۵۰ و تصویر ۳۱ در صفحه ۵۲ کتاب از جمله این موارد است.

جدول‌ها در این کتاب شامل ۲۰ عدد است که ۱ جدول در صفحه ۲۰ با عنوان "برچسب فرش‌های دست‌باف: (م ۱۷ ص ۱۵۵)" آورده شده است. ۱۸ عدد جدول در بحث مربوط به کارگاه‌های صنایع دستی از صفحه ۱۱۳ تا ۱۲۳ است که عنوان آن "لیست رشته‌های مصوب صنایع دستی، ۱۳۹۳" است.

۱ عدد جدول نیز با عنوان "جغرافیای صنایع دستی ایران" از صفحه ۱۲۵ تا ۱۳۶ ارائه شده است. در این جدول علاوه بر ایرادهای تایپی، کاستی‌های محتوایی نیز مشاهده می‌شود. در گروه ۹ جدول در صفحه ۱۱۸ که مربوط به صنایع دستی چوبی و حصیری است، نام رشته خاتم و نام زیرمجموعه آن خاتم‌سازی (مصالح خاتم) و خاتم‌کاری ذکر شده است. شکل صحیح آن به این گونه که خاتم‌کاری نام رشته و خاتم‌سازی و خاتم‌چسبانی زیر مجموعه‌های آن است. همچنین نقاشی گل و مرغ، تشعیر، تذهیب و نقاشی قهوه‌خانه‌ای

زیرمجموعه رشته نگارگری است که در گروه ۱۶ جدول صفحه ۱۲۳ هر کدام به عنوان رشته‌ای مجزا آورده شده است؛ همچنین بوم‌سازی و گره‌سازی نیز اشاره نشده است.

### ۲.۳ عدم تطابق فهرست مطالب با متن کتاب

فهرست مطالب با متن کتاب هم‌گام نیست به طوری که برخی عناوین که در متن آمده در فهرست مطالب به آن‌ها اشاره نشده است. اولین مورد در فهرست مطالب، پیشگفتار ۲ است؛ پیشگفتار ۱ پیش از فهرست مطالب آورده شده که در فهرست به آن اشاره نشده است. در صفحه ۳۱ کتاب، در بخش انواع رودوزی‌های سنتی به ترمه‌بافی و پته‌بافی و ... اشاره شده که در فهرست به این موارد اشاره نشده است. لازم به ذکر است براساس طبقه‌بندی هنرهای صناعی<sup>۴</sup> ترمه‌بافی در زمره رودوزی‌ها نیست. بهتر آن بود برای این مبحث رودوزی‌ها از بافته‌ها جدا آورده می‌شد.

### ۳.۳ ضعف در ارجاعات متنی

استناد به منابع مورد استفاده در تحقیق با هر سبک و شیوه‌ای از الزامات کار علمی و تحقیقاتی است. یکی از بهترین روش‌های استناد در متن نوشتن نام نویسنده، سا و صفحه‌ای که متن از آن برداشت شده است. «از آن‌جا که در کتابنامه اسامی مؤلفان به ترتیب حروف الفبا فهرست بندی می‌شود، پس اول نام خانوادگی ذکر می‌شود» (بارنت ۱۳۹۱: ۴۵۴). انواع ارجاعات درون متنی در این کتاب به این صورت آورده شده است: در صفحه ۱۳ = م ۱۴ ص ۴، در صفحه ۱۴ = \* و \* و در مواردی مانند صفحات ۳۵، ۳۷ و ۳۹ = م و عدد ذکر شده است. مقصود نویسنده از م شماره منابع در فهرست منابع است و ص شماره صفحه‌ای است که نویسنده از آن استفاده نموده است. روش‌های فوق در هیچ منبعی برای رفرنس‌دهی رایج نیست.

### ۴.۳ ضعف در فهرست منابع

برخی از منابع در فهرست منابع به طور ناقص یا اشتباه آورده شده است؛ به طور مثال: قالی ایران، سیسیل ادواردز، ترجمه مهین دخت صبا، چاپ افست. «قالب کلی تنظیم اطلاعات مربوط به فهرست منابع، برای کتاب، به این صورت است: نام خانوادگی، نام (سال نشر).

عنوان کتاب، جلد، مترجم (شماره چاپ)، محل انتشار: ناشر» (حسن زاده ۱۳۹۲: ۸۱). همچنین مطلبی از سر جورج بردوود در صفحه ۱۴ آمده که منبع مورد استفاده آن در فهرست منابع نیامده است. از موارد دیگر ذکر نام کتاب‌هایی است که در فهرست منابع به آن اشاره شده و در متن اصلی کتاب از آن استفاده نشده است مانند: تاریخ هنر ایران و جهان، هنر خاتم‌سازی در ایران.

برای نوشتن فهرست منابع از یک الگوی مشخص استفاده نشده است؛ به طور مثال برای برخی منابع محل نشر کتاب ذکر شده و در برخی تنها به انتشارات آن اشاره شده است. همان‌طور که ذکر آن نیز رفت، عنوان منبع در فهرست نویسی پس از سال قرار می‌گیرد و در ابتدا نام خانوادگی و نام نویسنده کتاب قرار دارد که در این کتاب رعایت نشده است. در فهرست منابع نام کارگاه‌های سازمان میراث فرهنگی نیز ذکر شده است.

### ۵.۳ اشتباهات چاپی

برخی واژگان در این کتاب خواننده را دچار سردرگمی می‌کند و تشخیص آن‌که اشتباه تایپی است یا به غلط استفاده شده، مسئولیت سختی را برای خواننده رقم خواهد زد. صفحه ۱۶ واژگان "داز" (شکل صحیح دار)، "اشت" (شکل صحیح است)، در صفحه ۲۲ واژه "باصطلاح" (شکل صحیح به اصطلاح) و در صفحه ۲۹ واژه "ایجاد" (شکل صحیح آن ایجاد). در بخش توضیحات مربوط به ابزارهای منبت‌کاری در صفحه ۵۳، ابزارها این‌گونه نوشته شده‌اند: "...ابزاری همچون مغارهای مختلف، چکش یا چخماق، روغن‌دان ...". در منابعی مانند کتاب سیری در صنایع دستی ایران (۱۳۸۷: ۱۷۳) در خصوص ابزار منبت‌کاری که در صفحه ۵۳ کتاب آمده: "ابزار و وسایل مورد استفاده در این هنر [منبت‌کاری] عبارتند از: چکش چوبی (تخماق)، گیره ...". براساس این متن می‌توان گفت "چخماق" جزو ابزارها نیست و "تخماق" اشتباه تایپی یا اشتباه نگارنده کتاب است. از دیگر اشتباهات تایپی استفاده از علامت ستاره به جای ضرب در زیرنویس تصاویر است.

در لیست رشته‌های مصوب صنایع دستی در سال ۱۳۹۳ مربوط به صفحات ۱۱۳ تا ۱۲۳ ایرادهای تایپی عبارتند از: بریشم‌بافی که شکل صحیح آن ابریشم‌بافی، دارابی‌بافی که شکل صحیح آن دارایی‌بافی، ژمودگری که شکل صحیح آن زمودگری، جووک‌کاری که شکل صحیح آن جوک‌کاری، سیواس‌بافی که شکل صحیح آن سواس‌بافی، خرطی‌چوب که شکل صحیح آن خراطی‌چوب، اروسی‌سازی که شکل صحیح آن اُرسی‌سازی، بادله‌دوزی

که شکل صحیح آن بادله‌دوزی است. همچنین در همین قسمت ایرادهای تخصصی شامل مواردی از جمله: کوفته‌گری (طلا و یا نقره‌کوبی روی فلزات) که شکل صحیح آن کوفته-گری (طلا و یا نقره‌کوبی روی فولاد) است. از دیگر کاستی‌های شکلی این اثر حروف چینی، فاصله بین سطور و سطر بندی است که در بیشتر قسمت‌های متن کتاب مشاهده می‌شود. همچنین در زیر تمام جدول‌ها عنوان زیرمجموعه رشته با شکل‌های غلط مانند مجموعه رشته در صفحه ۱۱۴، زیرمجموعه رشته در صفحه ۱۱۶ است. همچنین واژگان غلطی که در جدول‌های جغرافیای صنایع دستی آمده عبارتند از: بستان‌آباد (شکل صحیح بستان‌آباد)، دار گلیمبافی (شکل صحیح دار گلیم‌بافی)، تسمه‌کش (شکل صحیح آن تسمه‌کش) لحیمک‌اری (شکل صحیح آن لحیم‌کاری)، حمرز (شکل صحیح آن ممرز).

### ۶.۳ استفاده یا عدم استفاده از علائم نگارشی

در صفحه ۱۶ کتاب در بحث دار عمودی و روستائی، در پایان جمله از نقطه استفاده نشده است. همچنین استفاده نامناسب از ویرگول که در پایان جملات مشاهده می‌شود؛ در صفحه ۱۰۸ در زیرنویس تصاویر ۹۳ و ۹۴: پس از ذکر نام مؤلف کتاب از ویرگول استفاده شده است. همچنین در صفحه ۲۳ در سطرهای ۱۸، ۱۹ و ۲۰ در پایان جمله از ویرگول استفاده شده است. در صفحه ۱۷ سطر چهارم و صفحه ۱۸ سطر پنجم در پایان جمله از نقطه استفاده نشده است.

### ۷.۳ عدم تطابق متن و عنوان کتاب

عنوان هر نوشتار علمی باید گویای مطالب درون آن باشد که توسط نویسنده به خواننده منتقل می‌شود. عنوان کتاب حاضر "آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران برای استفاده در فضاهای آموزشی" است که فارغ از کاستی‌های آن، عنوان و محتوا هم‌راستا هستند. نویسنده در بررسی کارگاه‌های صنایع دستی ایران تنها به کارگاه‌های هنری مستقر در مجموعه هنرهای سنتی میراث فرهنگی بسنده نموده است. برای چنین عنوانی از نویسنده انتظار می‌رود نه تنها کارگاه‌های صنایع دستی تهران و بلکه کارگاه‌های صنایع دستی در ایران مورد بررسی قرار گیرند. البته در این بررسی هیچ قطعیتی مبنی بر معرفی تمام رشته‌ها وجود ندارد.



چنانچه نویسنده فهرستی از کارگاه‌های هنری و تولیدی ارائه می‌نمود و در نهایت به بررسی تعداد قابل توجهی از آن‌ها می‌پرداخت که در اهمیت بیشتری بودند ارزش این کتاب را دوچندان می‌نمود. نویسنده برای آنچه توصیف نموده الگوی مشخصی ندارد و برای هر رشته صنایع دستی توضیحاتی را ارائه داده که هیچ کدام از آن‌ها به لحاظ شکلی مشابه یکدیگر نیستند. به طور مثال برای روش کار: مراحل کار، شیوه اجرا، روش کار و ... استفاده شده است.

#### ۴. نقد محتوایی اثر

کتاب "آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران" برای آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی گردآوری شده که بیشتر جنبه توصیفی و کمتر تحلیلی است. این کتاب بدون داشتن فصل-بندی مشخص تنظیم شده است. دو پیشگفتار دارد که در هر کدام از آن‌ها اشارات ضمنی درخصوص پیشینه صنایع دستی، اهداف، علت انتخاب این موضوع برای نویسنده آمده است. در این دو پیشگفتار نویسنده اظهار نموده که قصد معرفی انواع صنایع دستی ایران و کارگاه‌های مربوط به آن را دارد و برای جمع‌آوری مطالب از کتب مختلف استفاده نموده است. در خصوص نوآوری و استفاده از منابع درخور می‌توان اشاره نمود که بسیاری از مطالب و ارجاعات کتاب حاضر منابعی هستند که در سال‌های بسیار دور به چاپ رسیده و نویسندگان آن‌ها در زمان گردآوری، از اطلاعاتی که در مواردی نیز ایرادات بسیار دارد، استفاده نموده‌اند. از نویسنده کتاب حاضر انتظار می‌رفت برای نوشتن کتاب در این بازده زمانی از منابع به روزتری که ایرادهای محتوایی کمتری نیز دارند، استفاده می‌نمود. برای نقد بهتر مطالب اصلی با عناوین صنایع دستی ایران، کارگاه‌های صنایع دستی ایران، لیست مصوب رشته‌های صنایع دستی و جغرافیای صنایع دستی و زیرمجموعه‌های آن‌ها مورد بحث قرار خواهند گرفت.

#### ۱.۴ صنایع دستی ایران

##### ۱.۱.۴ تعریف صنایع دستی

در آغاز تعریف صنایع دستی براساس کتاب آشنایی با هنرهای سنتی (باوری و عرفانی ۱۳۹۲) ذکر شده است. شاید بهتر بود نویسنده از تعریف به روزتری برای صنایع دستی

استفاده می‌نمود؛ از جمله تعریفی که در کتاب جستاری در سنت و مدرنیسم و تأثیر آن بر صنایع‌دستی (۱۳۹۴: ۲۸۲) ذکر شده است: «آنچه ما به عنوان صنایع‌دستی Hadicrafts می‌شناسیم، آن چیزی است که در بازارهای جهانی به نام "مصنوعات هنری" شهرت یافته است».

#### ۲.۱.۴ طبقه‌بندی صنایع‌دستی

مبحث بعدی مربوط به طبقه‌بندی صنایع‌دستی بوده که منبع آن در پایان لیست سازمان میراث فرهنگی کشور دو سال انتشار آن ۱۳۹۳ ذکر شده است. بر این اساس صنایع‌دستی شامل ۱۸ گروه مصوب، ۱۵۶ رشته و ۱۴۳ زیرمجموعه که با احتساب فرش در مجموع ۲۹۹ رشته و زیرمجموعه است؛ نویسنده ذکر نموده که قصد پرداختن به ۲۳ رشته از جمع ۲۹۹ رشته را داشته است. اسامی گروه‌هایی که نویسنده به آن‌ها پرداخته است شامل: بافته‌های داری، سایر بافته‌های داری و غیر داری، سوزن‌دوزی، چاپ سنتی، سفالگری و سرامیک‌سازی، شیشه‌گری، هنرهای فلزی و فلزکاری، هنرهای سنگی، هنرهای چوبی، هنرهای تزئینی. براساس آنچه در متن آمده نویسنده به ۱۲ گروه پرداخته در حالی که در آغاز این بخش اشاره نموده که قصد پرداختن و معرفی ۱۰ گروه را داشته است.

#### ۳.۱.۴ بافته‌های داری

##### ۱.۳.۱.۴ قالی

در توضیحات مربوط به این بحث نویسنده به پیشینه قالی در منابع اشاره نموده است. همچنین روش‌های تشخیص قالی را این‌گونه برشمرده است: تاریخ تهیه قالی، طبقه‌بندی براساس یک تخته قالی که از لحاظ تاریخی قابل تشخیص است، از روی طرح قالی، رج-شمار قالی، نوع رنگ مصرفی (شیمیایی یا گیاهی). در اینجا مقصود نویسنده از روش‌های تشخیص قالی چندان مشخص نیست؛ شاید مقصود ایشان تطبیق یک اثر معاصر با اثر تاریخی برای دستیابی به شاخصه‌های قالی مناسب و ارزشمند است. در ادامه به دستگاه و ابزارهای بافندگی مانند انواع دار، ابزار قالی‌بافی، مواد، طرح‌های قالی اشاره شده است. همچنین به محل، شرایط کار و اصولی که باید در ساخت و نصب دار مورد توجه قرار گیرد، اشاره شده است. قالی در چند دهه گذشته به دلایل گوناگونی که اغلب ناشی از

تحولات پیشرفته در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور است، در زمینه تولید مشکل و رکود داشته است.

در خصوص اصولی که باید در ساخت و نصب دار مورد توجه قرار گیرد عنوان‌های چله‌کشی، پودگذاری، بافتن، پرداخت و ترمیم و روفوگری نیز اشاره شده است. "چله-کشی" یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های بافنده در دست‌بافته‌ها است؛ در حالی که در موارد یاد شده از آن به عنوان اصول ساخت و نصب دار یاد شده است. در خصوص جایگاه و بررسی "چله" در کتاب‌های بسیاری از جمله کتاب مروری بر صنایع دستی ایران (۱۳۶۵: ۳۲۲)، مبحث چله که شامل "چله‌دوانی" و "چله‌زنی" است پس از عناوین ریسندگی و رنگرزی در اولویت برای بحث قرار گرفته است. همچنین در کتاب آشنایی با صنایع دستی ایران (تسلیمی و دیگران ۱۳۸۶) در مبحث مراحل قالی‌بافی ابتدا راجع به دار و الیاف مورد استفاده در قالی‌بافی و سپس به چله‌کشی و دیگر مراحل بافت اشاره شده است.

#### ۴.۱.۴ سایر بافته‌های داری و غیر داری

##### ۱.۴.۱.۴ گلیم

در آغاز این بحث به پیشینه و نمونه‌های آغازین گلیم اشاره شده است؛ همچنین به مواد اولیه، دار، بافت، ابزار، شیوه بافت، مراحل تولید، نقوش مورد استفاده و انواع گلیم اشاره شده است. در شیوه بافت اشاره به ۱۲ مورد شده که مورد ۱۲ "پرداخت نهایی در مورد ریشه و سایر تزئینات" است؛ مورد ذکر شده، از عملیات نهایی در بافت است و مربوط به شیوه نمی‌باشد.

##### ۲.۴.۱.۴ گبه

در ادامه به گبه، وسایل و ابزار، نقوش و اصطلاحات آن پرداخته شده است.

##### ۳.۴.۱.۴ نمد

نمد به عنوان یکی دیگر از بافته‌های مورد بحث در این مبحث است که در این جا نمدمالی و روش کار آن اشاره شده است. متأسفانه در این بحث نویسنده بافته‌های داری و غیر داری را به طور مشخص تفکیک نکرده است. نمد در طبقه‌بندی روش‌های بافندگی سنتی تنیدنی<sup>۵</sup> است در زیرمجموعه دست‌بافته‌های دستی قرار دارد.

#### ۴.۴.۱.۴ سوزن‌دوزی

در این بحث علاوه بر پیشینه و اشاره به آثاری در موزه‌ها، به مواد و مصالح رودوزی-های ایرانی علاوه بر روش دوخت به روش کار و انواع آن اشاره شده است. در روش دوخت انواع بخیه، انواع دوخت‌ها، انواع طرح و انواع نقوش ذکر شده که موارد یاد شده چندان تناسبی با عنوان ندارد. در روش کار به مراحل دوخت سوزن‌دوزی اشاره شده است.

#### ۵.۱.۴ انواع رودوزی‌های سنتی

در این جا بهتر آن بود پیش از آوردن مطالب سوزن‌دوزی از این عنوان استفاده می‌شد. رودوزی‌های سنتی گروه اصلی هستند که در زیرمجموعه آن سوزن‌دوزی نیز قرار دارد. علاوه بر آن در ادامه به ترمه بافی و پته بافی اشاره شده که هر دو در زیر مجموعه رودوزی‌ها نیست (ترمه دوزی و پته دوزی در این زیرمجموعه قرار دارد). ترمه بافی در زیرمجموعه بافندگی دستگاهی تاروپودی است. دندانی و گیوه بافی از موارد دیگری است که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. در توضیحات مربوط به دندانی ذکر شده که ایکات یکی از فرآورده‌هایی است که به روش دندانی تهیه می‌شود؛ در حالی که این جمله چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. همچنین گیوه بافی یا گیوه‌دوزی در زیرمجموعه بافندگی سنتی بافتنی است که در این بحث به اشتباه جای گرفته است. براساس طبقه‌بندی صنایع-دستی (یاوری و عرفانی ۱۳۹۲: ۱۷) دست‌بافته‌های سنتی شامل دو زیرشاخه‌ی اصلی با عناوین دست‌بافته‌های داری و دست‌بافته‌های دستگاهی هستند. نمد از دست‌بافته‌های دستی تیدنی، قالی و گلیم از دست‌بافته‌های داری، ایکات و زری بافی در زمره دست‌بافته-های دستگاهی است. از نقاط ضعف در این کتاب به ویژه در این بخش عدم ارائه طبقه-بندی مناسب برای بررسی صنایع دستی است.

#### ۶.۱.۴ چاپ سنتی

#### ۱.۶.۱.۴ قلمکار و باتیک

در توضیحات مربوط به این بخش در صفحه ۳۶ اشاره شده که قدیمی‌ترین نمونه قلمکار مربوط به ۲۱۰۰ پیش از میلاد است؛ نویسنده در چند سطر بعد، این هنر را بازمانده قرن دوازده هجری دانسته که تا پایان قرن سیزده از درخشان‌ترین هنرهای تزئینی ایران بوده

است. باتیک عنوان دیگری است که در این بخش به آن نیز پرداخته شده است. ابزار و مواد اولیه اشاره نشده است.

#### ۷.۱.۴ سفالگری و سرامیک‌سازی

سفالگری و سرامیک‌سازی در ادامه آمده که اشاره به قدیمی‌ترین مراکز سفالگری در ایران، روش کار (بسیار موجز) اشاره شده است. در این بحث از تصاویری استفاده شده که مربوط به سفال لعابدار، سفال زیرلعاب و سرامیکی است. در توضیحات مربوط به آن اطلاعاتی از روش‌های یاد شده نیامده است. همچنین بحث بسیار مهم ساخت (شکل‌دهی) و تزئین که دو زیرمجموعه آثار سفالی هستند، اشاره نشده است. در این بحث تفاوت‌های سفال و سرامیک ذکر نشده و علاوه بر آن مواد اولیه، روش‌های ساخت و تزئین اشاره نشده است.

#### ۸.۱.۴ شیشه‌گری

شیشه‌گری و پیشینه آن در ایران از دیگر مواردی است که به روش‌های اجرا و ابزار اشاره نشده است. آثار شیشه‌گری با دو روش کلی ساخت و تزئین به دست می‌آیند. به طور کلی برای معرفی بسیاری از هنرها تنها به ذکر یک تعریف مختصر و پیشینه‌ای بسیار کوتاه اشاره شده است.

#### ۹.۱.۴ هنرهای فلزی و فلزکاری

##### ۱.۹.۱.۴ فلزکاری

با وجود سابقه و پیشینه طولانی فلز، استفاده و نقش آن در زندگی بشر، نویسنده دلیل رواج آن را صنعتی شدن و نوسازی دانسته است. در این بحث آمده آثار کشف شده از محوطه‌های باستانی با تاریخی نزدیک ۴ هزار قبل از میلاد آشنائی هنرمندان ایرانی را با هنر قلمزنی به اثبات می‌رساند. آثار تاریخی بسیار با ارزشی مانند جام‌های زرین حسنلو، مارلیک، ارجان، پرچم شهدا و غیره توان بالای هنرمندان ساکن ایران زمین را در هزاره‌های قبل از میلاد نشان می‌دهد.

#### ۲.۹.۱.۴ قلمزنی

در بحث مراحل قلمزنی، پرداخت نهایی زمانی صورت می‌گیرد که قیر از داخل یا پشت کار جدا شده باشد. در این کتاب مراحل جدا کردن قیر و پرداخت نهایی از لحاظ فنی صحیح نیست و به درستی ذکر نشده است.

#### ۳.۹.۱.۴ مشبک‌کاری

در این بحث مقصود نویسنده از مشبک‌کاری آنچه مربوط به فلز بوده، است؛ در این جا نویسنده به اشتباه اشاره نموده که کار مشبک به طور معمول روی عاج و فیبر ساخته می‌شود. در ادامه نویسنده به هنرهای تلفیقی چوبی نیز پرداخته که به اشتباه در این مبحث به آن پرداخته شده است. زمانی که از مشبک‌کاری در زیرمجموعه هنرهای فلزی یاد می‌شود مقصود از آن استفاده از قلم تیزتر و در مواردی که ابر برای برش فلز است.

#### ۴.۹.۱.۴ ملیله‌کاری

در ساخت ملیله علاوه بر نقره، از طلا نیز استفاده شده که در این جا به آن اشاره نشده است. به ابزار کار و روش صحیح تولید آن به طور دقیق اشاره نشده است؛ در مرحله پایانی ملیله پودر بوراکس و نقره را روی ملیله می‌پاشند و با حرارت مشعل آن‌ها را به یکدیگر لحیم کرده و سپس موم را ذوب می‌نمایند. در این کتاب درخصوص مرحله پایانی اشاره شده که موم و ناخالصی‌ها را با تیزاب و حرارت از روی طرح مورد نظر می‌زدایند.

#### ۵.۹.۱.۴ میناکاری

در بحث میناکاری روش‌های مرسوم بر اساس آنچه در لیست مصوب در همین کتاب آمده، معرفی نشده است. در اینجا تنها به ذکر تاریخچه کوتاه، رنگ‌ها و ابزار اشاره شده است. در اینجا آمده که از اکسید قلع برای شفافیت مینا استفاده می‌شود در حالی که چنین جمله‌ای صحیح نیست. مینا پس از پخت در کوره، شفاف می‌شود. روش‌های رایج مینای خانه‌بندی و مرصع در اینجا ذکر نشده و نویسنده بدون در نظر داشتن آن‌ها به مینای نقاشی پرداخته است. میناکاری در طبقه‌بندی هنرهای صناعی گروهی مستقل است و در اینجا به عنوان زیرمجموعه‌ای از هنرهای فلزی مورد بحث قرار گرفته است.

#### ۶.۹.۱.۴ جواهرسازی

آخرین موضوعی که در بحث هنرهای فلزی و فلزکاری به آن پرداخته شده، جواهرسازی است. تاریخچه زیورآلات ایرانی در این بحث به دوران هخامنشی نسبت داده شده است. در این بحث نویسنده اشاره نموده که جواهرسازی در بلوچستان به نقره‌سازی منجر شده است؛ این جمله از نظر شکلی و محتوایی چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

#### ۱۰.۱.۴ هنرهای سنگی

در زیرمجموعه هنرهای سنگی به سنگ‌تراشی پرداخته شده است. هنرهای سنگی شکل دادن و نقش‌پردازی سنگ علاوه بر تراش، برش‌خراش و تلفیقی از این موارد را شامل می‌شود که در این بحث به آن اشاره نشده است. در این بحث اشاره به دو مرکز اصلی سنگ‌تراشی (مشهد و قم) شده که در این میان به اصفهان در زمره شهرهای پیشرو در این صنعت اشاره نشده است. در خصوص ابزار و روش‌های صحیح کار ذکر نشده و همچنین مراحل استخراج تا تولید یاد نشده است.

#### ۱۱.۱.۴ هنرهای چوبی

#### ۱.۱۱.۱.۴ خاتم‌سازی

براساس استنادار رشته‌های کاردانش در شورای تدوین کتب درسی سال ۱۳۹۶ و همچنین استنادارهای سازمان فنی حرفه‌ای در سال ۱۳۹۵، رشته خاتم‌کاری با دو زیرمجموعه خاتم‌سازی و خاتم‌چسبانی در گروه هنرهای چوبی قرار دارد.<sup>۷</sup> نویسنده بدون در نظر داشتن این مهم از عنوان "خاتم‌سازی" برای تمام اطلاعات مربوط به این هنر استفاده نموده است. در آغاز ذکر شده به دلیل از بین رفتن مواد اولیه خاتم که چوب و چسب است، نمونه‌های تاریخی آن در دسترس نیست. کهن‌ترین نمونه در این مورد مربوط به بقعه شاه نعمت الله ولی در ماهان ذکر شده که این نیز گفته صحیحی نیست.

«قدیمی‌ترین نمونه از خاتم‌کاری رحل چوبی مثبت، مشبک و خاتم است که در موزهی متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. این رحل دارای تاریخ ۷۶۱ ه.ق می‌باشد که اثر حسن ابن سلیمان آل اصفهانی است» (عرب ۱۳۹۴: ۹ و ۱۰). در این بحث نویسنده هیچ اشاره‌ای به چوب‌های رنگی به عنوان بخش قابل توجهی از مواد اولیه در ساخت خاتم نکرده است. نصب خاتم، روغن‌کاری، انواع خاتم و انواع حاشیه خاتم از مباحث این

قسمت است؛ در انواع خاتم به خاتم متن اشاره نشده است. "خاتم" ها براساس کاربرد به دو صورت حاشیه و متن مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ «خاتم‌های حاشیه طرح‌های بسیاری از جمله: خاتم حاشیه تاجی، خاتم حاشیه ابری، خاتم حاشیه جویی و ...؛ خاتم‌های متن نیز شامل انواع خاتم متن ابری، خاتم متن پره وارو، خاتم متن جناغی و ... هستند» (همان: ۷۱). در وسایل و ابزار خاتم‌سازی اشاره به سنگ و سنگ مثلث سابی شده که در خاتم‌سازی چنین ابزاری وجود ندارد. در بحث نصب خاتم اشاره به خاتم پشت چسب‌دار شده که چنین جمله‌ای صحیح نیست. همچنین در بحث روغن کاری به هاویلوکس به عنوان روغن پوشاننده روی سطح اثر اشاره شده که صحیح نیست. از پلی‌استر به عنوان پوشاننده روی سطوح خاتم کاری استفاده می‌شود.

#### ۲.۱۱.۱.۴ منبت کاری

تاریخ منبت کاری در ایران به دوران هخامنشی و یا پیش از آن نسبت داده شده است؛ نویسنده کتاب حاضر دقت در مباحث تاریخی را در تمام قسمت‌ها با بی‌توجهی پشت سر گذاشته است. در ادامه قدیمی‌ترین اثر منبت کاری را مربوط به قرون ۴ و ۵ هجری دانسته است. این که نسبت تاریخی منبت کاری (تراش و برداشت) به دوره هخامنشیان منسوب شده صحیح‌تر از آن است که منبت کاری چوب به این دوره نسبت داده شود. در روش کار اشاره به مواردی از جمله بست کار به گیره و طرح‌ریزی خطوط محیطی نیز شده که چنین مواردی صحیح نیست؛ در منبت کاری چنانچه کار کوچک باشد برای جلوگیری از سرخوردن و به اصطلاح در رفتن کار از زیر چکش آن‌را با گیره به میز کار متصل می‌نمایند. با چنین توصیفی نیز دو مورد ذکر شده از صحت گفتار برخوردار نیست.

#### ۳.۱۱.۱.۴ معرق

معرق از دیگر مواردیست که در زیرمجموعه هنرهای چوبی به آن پرداخته شده است. در تعریف معرق در صفحه ۵۴ آمده که معرق تکه‌های ریزی از کاشی است که در کنار هم چیده می‌شوند تا طرح اصلی به دست آید. چنانچه بخواهیم تعریفی از معرق در زیرگروه هنرهای چوبی ارائه دهیم این تعریف چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. در این صورت نباید از عنوان کاشی استفاده نمود و بهتر آن است که در تعریف به تکه‌های چوب اشاره شود. در واقع معرق چوب حاصل برش و چیدن چوب‌های رنگین در کنار هم است. ابزار و روش کار در تکمله آمده و در آخر به تحولات در این هنر اشاره شده که نمایش بُعد و ایجاد



سایه روشن از مواردی است که در آثار جدید به نمایش گذاشته شده است. در ابزار کار به میخ اشاره شده که در نوع آن به جای سایه از ساده استفاده شده است.

#### ۴.۱۱.۱.۴ سبد و حصیر

در این کتاب سبد و حصیر در زمره هنرهای چوبی دانسته شده و نویسنده تنها با ذکر یک جمله به تعریف آن بسنده نموده است. تصویری ارائه شده در این مبحث بوریا بافی است که نویسنده توضیحات لازم در این خصوص را ارائه نداده است. لازم به ذکر است براساس طبقه‌بندی هنرهای صناعی حصیر و بافته‌هایی از این دست مانند بوریا در زیرمجموعه بافته‌های دستی هستند.

#### ۱۲.۱.۴ هنرهای تزئینی

##### ۱.۱۲.۱.۴ چرم‌سازی

هنرهای تزئینی گروه پایانی هستند که با دو زیرمجموعه چرم‌سازی و پایه ماشه مباحث این بخش را به پایان رسانده است. در بحث بسیار کوتاه چرم‌سازی علاوه بر نقوش تزئینی، فنون اجرای آن نام برده شده است. در این بحث تنها به جلد کتاب که با چرم تزئین می‌شود اشاره شده است؛ در حالی که چرم‌سازی شامل موارد دیگری از جمله ساخت اشیاء چرمی نیز می‌شود. براساس طبقه‌بندی صنایع دستی جلد چرمی در زیرمجموعه صحافی و جلدسازی سستی است که در اینجا به آن اشاره‌ای نشده است. »

##### ۲.۱۲.۱.۴ پایه ماشه

پایه ماشه که در زیرمجموعه آثار لاک‌پوش و روغنی قرار دارد از دیگر هنرهایی است که به آن پرداخته شده است. در این بحث سابقه و پیشینه پایه ماشه به دوران سلجوقی دانسته شده است؛ همچنین کاغذ مخصوص این صنعت کاغذ خان‌بالغ یا کاغذ برنجی ذکر شده است. «کاغذ خان‌بالغ در ایران و دیگر کشورهای اسلامی برای نوشتن قرآن و نگارش‌های عربی و فارسی به کار گرفته می‌شده است» (فناپی ۱۳۸۷: ۲۵۱). این کاغذ به دلیل استحکام و ضخامت بیشتر برای نسخه‌نویسی کاربرد دارد و مناسب برای پایه ماشه نیست. در اینجا به قلمدان و جلد کتاب اشاره شده در حالی که بسیاری از آثار مانند قاب آینه، قاب عکس،

جعبه ترازو و ... نیز به این روش تزئین می‌شوند. در این بحث از دوره زندیه به عنوان دوره‌ای که این هنر در آن به اوج و شکوفایی رسیده، ذکری نرفته است.

#### ۲.۴ کارگاه‌های صنایع دستی در ایران

در مقدمه این بخش آمده که نویسنده قصد دارد به کارگاه‌های سازمان یافته‌ای بپردازد که هدف آن‌ها آموزش هنرهای سنتی است. او در این بخش به معرفی ۱۱ کارگاه در پنج گروه زیر پرداخته است: ۱- کارگاه بافته‌های داری، ۲- کارگاه هنرهای چوبی، ۳- کارگاه هنرهای فلزی، ۴- کارگاه سفالگری و ۵- کارگاه شیشه‌گری. نویسنده در راستای معرفی کارگاه‌ها به تصاویر محدودی از آن‌ها بسنده نموده و در موارد بسیاری علاوه بر ایرادهای شکلی که پیشتر نیز اشاره شد، کاستی‌های محتوایی دارد که به اجمال عبارتند از:

در صفحه ۷۱ و ۷۲ تصاویر ۱۶ و ۱۷ فردی در حال معرق‌کاری است که در زیرنویس هر دو تصویر میز معرق‌کاری ذکر شده است. در صفحه ۷۲ تصویر ۱۸ یک اثر معرق‌کاری مشاهده می‌شود که در زیرنویس آن نصب طرح بر روی چوب به اشتباه ذکر شده است. در صفحه ۷۳ تصویر ۱۹ یک اثر معرق - مشبک مشاهده می‌شود، که در زیرنویس آن به اشتباه مراحل معرق‌کاری، برش معرق از روی قالب ذکر شده است. در صفحه ۸۷ تصویر ۲۹ بخشی از یک فرش نمایش داده شده و در زیرنویس آن به اشتباه نحوه کار با مغار در مثبت‌کاری ذکر شده است. در صفحه ۷۹ تصویر ۳۲ مربوط به اثر نیمه تمام مثبت‌کاری و طرح خطی که مثبت‌کار از روی این طرح کار مثبت را انجام می‌دهد مشاهده می‌شود؛ در حالی که در زیرنویس این تصویر به اشتباه پیاده کردن طرح از روی جلد بر روی چوب ذکر شده است. صفحه ۸۳ تصاویر ۳۹ و ۴۰ مربوط به کارگاه معرق‌کاری است که علاوه بر ذکر این عنوان، مثبت‌کاری و کنده‌کاری روی چوب نیز به اشتباه ذکر شده است. در صفحه ۸۴ زیرنویس تصاویر ۴۱ و ۴۲ به ترتیب مربوط به اثر خاتم‌کاری و مواد اولیه آن است که عنوان آن به اشتباه کارگاه، میز و ابزار خاتم‌کاری ذکر شده است. در زیرنویس تصویر ۴۴ در صفحه ۸۵ فردی در حال ساخت خاتم (به طور مشخص خاتم‌پیچی) است که به اشتباه از آن به عنوان مراحل خاتم‌کاری ساخت مفتول<sup>۱</sup> یاد شده است.

همچنین در شکل بعدی (۴۵) عنوان ساخت مفتول در رنگ‌های مختلف ذکر شده که چنین عنوانی برای تصویر صحیح نیست. این تصویر نیز مانند تصویر قبل فردی در حل ساخت خاتم است. تصویر ۴۸ در صفحه ۸۷ مربوط به گل خاتم بوده که در زیرنویس آن

به اشتباه نمونه مفتول شده برای خاتم‌کاری ذکر شده است؛ اصطلاح "مفتول شده" در خاتم‌کاری صحیح نیست. در تصاویر ۵۶، ۵۷ و ۵۸ برش خاتم نشان داده شده که از آن به اشتباه تحت عنوان مراحل پرداخت خاتم یاد شده است. کارگاه‌های دیگری که به شرح تصویری آن پرداخته شده شامل کارگاه سازسازی، قلمزنی، سفالگری و شیشه‌گری است که در دو عنوان آخر تصاویر بسیار محدود است.

### ۳.۴ لیست مصوب رشته‌های صنایع دستی ایران

در ادامه مباح کتاب، جدول رشته‌های مصوب صنایع دستی آمده که در آن اسامی ۱۸ گروه صنایع دستی و به همراه زیرمجموعه‌ها ارائه شده است. در قسمت بالای هر جدول نام گروه و در زیر آن اشاره شده این گروه شامل چند رشته و زیرمجموعه است. همچنین در زیرنویس جدول‌ها آمده که برای اطلاعات بیشتر می‌توان به سازمان میراث فرهنگی ایران مراجعه نمود. چنانچه در مباحث قبلی به روش‌های صحیح ارجاع‌دهی اشاره شد در این‌جا متذکر می‌شویم برای رفرنس جدول‌ها روش مناسبی در نظر گرفته نشده است. از موارد پر اهمیت در نقد محتوایی جدول‌ها، عدم به‌کارگیری و توجه به لیست‌های پیشین و موارد منتشر شده مشابه است. به طور مثال حصیربافی در زیرمجموعه هنرهای مرتبط با چوب است (فناپی ۱۳۸۷)؛ گروه ۹ با عنوان صنایع دستی چوبی و حصیری در نظر گرفته شده و بسیاری از زیرمجموعه‌ها مانند خاتم‌چسبانی در آن ذکر نشده است. در موارد دیگر بسیاری از زیرمجموعه‌ها مانند نقره‌دوزی، منجوق و پولک‌دوزی در گروه رودوزی‌های سنتی و صنایع دستی کاغذی با سه رشته کاغذبری، پایه ماشه و صحافی سنتی ذکر شده است که به طور مثال صحافی و جلدسازی سنتی یک گروه جدا با زیرمجموعه‌هایی شامل تجلید نسخه، جلد چوبی، جلد مقوایی، جلد چرمی جلد پارچه، جلد کاغذی، جلد فرنگی (فناپی ۱۳۸۷) در نظر گرفته می‌شود.

### ۴.۴ جغرافیای صنایع دستی ایران

جغرافیای صنایع دستی ایران بحث دیگری در این کتاب است که اطلاعات آن از طریق "مجموعه سیمای صنایع دستی استان‌های ایران در چهارمین نمایشگاه بزرگ سراسری صنایع دستی کشور در شهریور سال ۱۳۷۹" که در شهر همدان برگزار شده، به دست آمده

است. در این بخش جداگانه‌ای مشتمل بر ردیف، انواع صنایع دستی، استان(شهر)، مواد اولیه و ابزار در ۳۰ رشته مشاهده می‌شود.

در جدول‌هایی که در این بخش آمده به سیمای استانی خاتم‌سازی در شهرهای اصفهان و چهارمحال بختیاری اشاره شده است؛ شهر شیراز از جمله شهرهای پررونق در خاتم‌کاری است که در اینجا به آن اشاره نشده است. همچنین در بخش مواد اولیه و ابزار اشاره به ورق کامپکت، مفتول برنجی، سیلر، کیلر، پلی‌استر، تخته سه لایه، چسب چوب، میخ، سمباده، استخوان شتر، برنج شده است؛ علاوه بر آن که تفاوتی در خصوص مواد اولیه و ابزار در نظر نبوده، موارد اشاره شده از صحت محتوایی برخوردار نیستند. بر اساس آنچه در کتاب آشنایی با صنایع دستی ایران (آشوری ۱۳۸۴) آمده نه تنها ورق کامپکت از جمله مواد اولیه در خاتم‌سازی نیست بلکه هیچ کاربردی در ساخت خاتم ندارد. لازم به ذکر است در خاتم‌سازی از آلیاژ برنج به صورت رشته‌های مثلثی (مفتول) استفاده می‌شود و آوردن نام برنج به تنهایی صحیح نیست. نخ و چسب هر دو از وسایل و مواد اولیه خاتم‌سازی هستند که به یک اندازه مورد اهمیت بوده و در این بحث تنها به چسب اشاره شده است. در بخش ابزار نیز اهر عمود بر دریل، سمباده برقی، گیره، اهر دستگاه برش آورده شده است. در ابزارهای خاتم‌کاری و نجاری اهر عمود بر دریل وجود ندارد ضمن آن‌که با در نظر گرفتن دو ابزار با شکل صحیح "اهر عمودبر" و "دریل" می‌توان اشاره نمود که این دو ابزاری هستند که برای بخش نجاری بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. "سوهان" به عنوان مهم‌ترین ابزار در خاتم‌کاری بوده که یادی از آن نشده است. همچنین ابزار مهم دیگری که در جدول ابزار به آن اشاره نشده، "تخته رند" یا "تنگ" است که در خاتم‌سازی کاربرد بسیار دارد و برای سائیدن و یکدست نمودن مواد اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ۵.۴ ضمیمه و فهرست منابع

در مبحث ضمیمه به ۲۹ کارگاه فنی و هنری در شهر تهران که منبع آن کتاب‌شناسی و راهنمای صنایع دستی بوده که در سال ۱۳۶۹ منتشر شده است. برخی از کارگاه‌های نامبرده در زمان نوشتن کتاب تعطیل بوده و نویسنده به آن توجه نداشته است. در فهرست منابع الگوی مشخصی در نظر گرفته نشده، منابع لاتین لابه لای دیگر منابع آمده است. برای برخی منابع علاوه بر نام نویسنده و عنوان کتاب سال انتشار در نظر گرفته شده و برای برخی نیز سال انتشار در نظر گرفته نشده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

کتاب آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران با هدف معرفی صنایع دستی و کارگاه‌های آن به نگارش درآمده است. این اثر نیز مانند بسیاری از منابع منتشر شده اشکالاتی در محتوای نظری و علمی دارد که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. در این کتاب توصیف و تفسیر برخی از انواع صنایع دستی از ضعف محتوایی برخوردار است. علاوه بر محتوا، کتاب از ساختار شکلی ضعیفی برخوردار بوده که برای استفاده بهتر و بیشتر از این کتاب به رفع نقایص آن باید همت گماشت. ضمن ارج نهادن به تلاش نویسنده دو اصل مهم مبنی بر ضرورت به روز رسانی اطلاعات در زمان نگارش کتاب و رفرنس دهی که هیچ‌گاه نباید از دید نویسنده مغفول بماند، در این کتاب با کاستی‌هایی مواجه است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. شاید بتوان گفت کم ایرادترین طبقه‌بندی هنرهای سنتی یا صنایع دستی مربوط به پژوهشکده هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری یا معاونت صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی و گردشگری دانست که نویسنده ملزم به استفاده از آخرین ویراست آن بوده و در متن کتاب چنین مستفاد نمی‌گردد.
۲. در زیرنویس تمام تصاویر از واژه شکل به جای واژه تصویر استفاده شده است.
۳. بهتر آن بود از عنوان کارگاه خاتم‌کاری به جای خاتم برای جلوگیری از خلط مبحث استفاده شود.
۴. طبقه‌بندی هنرهای صنعتی، گروه هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ویرایش هشتم، ۱۳۹۶
۵. تسلیمی و دیگران ۱۳۸۶: ۸۵
۶. البته شکل صحیح‌تر این دسته‌بندی شامل سنتی، داری و دستگاهی است (همان)
۷. نگارنده مقاله حاضر از اعضای شوراهای استانداردنویسی در مراکز نامبرده بوده است.
۸. آلیاژ یا در اصطلاح خاتم‌سازی مفتول یکی از مواد اولیه در ساخت خاتم است؛ ساخت آن توسط دستگاه صورت می‌گیرد و در نهایت خاتم‌ساز آن را پرداخت می‌نماید و در ساخت خاتم از آن استفاده می‌نماید.

## کتاب‌نامه

- آشوری، محمد تقی (۱۳۸۴)، *آشنایی با صنایع دستی ایران (۱)*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- بارنت، سیلوان (۱۳۹۱)، *راهنمای تحقیق و نگارش در هنر، ترمه‌ی بتی آواکیان*، تهران: سمت.
- تسلیمی، نصرالله و دیگران (۱۳۸۶)، *آشنایی با صنایع دستی ایران*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حسن بیگی، محمد رضا (۱۳۶۵)، *مروری بر صنایع دستی ایران*، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- حسن زاده، رمضان (۱۳۹۲)، *مقاله‌نویسی در علوم رفتاری*، چاپ سوم، تهران: ویرایش.
- رضی، احمد، (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، فصلنامه سخن سمت، ش ۲۱، ۲۱-۳۰.
- عرب، سمیرا (۱۳۹۴)، *بررسی تطبیقی زیباشناسی نقوش خاتم‌کاری دوره صفوی و قاجار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- فناهی، زهرا (۱۳۸۷)، *سیری در صنایع دستی ایران*، چاپ اول، اصفهان: ارغوان/هشت بهشت.
- مصطفوی، فریبا (۱۳۹۵)، *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران*، چ اول، تهران: مهر نوروز.
- یاوری، حسین و فاطمه عرفانی (۱۳۹۲)، *هنرهای سنتی ایران در یک نگاه*، تهران: آذر.
- Arab, Samira (2015), A Comparative Study of Aesthetics of Safavid and Qajar Periodic Designs, MA under the guidance of Dr. Gholam Ali Hatam, Faculty of Art and Architecture, Tehran Center
- Ashouri, Mohammad Taghi (2005), Introduction to Iranian Crafts (1), Tehran: Iranian Textbooks Publishing Company.
- Barnett, Silvan (2012), Research Guide on Writing in Art, Betty Avakian Cashmere, Tehran: Position.
- Hassan Beigi, Mohammad Reza (1365), A Review of Iranian Crafts, First Edition, Tehran: Phoenix.
- Hassanzadeh, Ramadan (2013), Journal of Behavioral Sciences, Third Edition, Tehran: Edited.
- Mostafavi, Fariba (2016), Introduction to Iranian Crafts Workshops, First Edition, Tehran: Mehr Norouz
- Rezi, Ahmad, (2009), Evaluation and Criteria of Academic Textbooks, Speech Quarterly, 21-21-30.
- Fanaei, Zahra (2008), A Survey of Iranian Crafts, First Edition, Isfahan: Purple / Eight Paradise.
- Taslimi, Nasrollah et al. (2007), Introduction to Iranian Crafts, Tehran: Iranian Textbooks Publishing Company.
- Yavari, Hossein and Fatemeh Erfani (2013), Iranian Traditional Arts at a Glance, Tehran: December.